یادداشت: نگاهی دقیق تر به لایحه بودجه سال آینده

در همین شماره بحثی داریم درباره اینکه با بودجهء سال‏ جاری چه کارهائی در کشور انجام شده و با بودجه‏ پیشنهادی دولت برای سال آینده چه کارهائی قرار است‏ صورت گیرد.در اینجا به لایحهء بودجهء سال آینده کشور، نظری دقیقتر می‏اندازیم و ملاحظات خود را دربارهء نکاتی‏ که به نظر میرسد نیاز به شرح و بسط بیشتر داشته باشد، یادداشت‏وار،درج می‏کنیم.لازم است بدوا توضیح داده‏ شود که این ملاحظات نظر کارشناسی نویسنده است و الزاما نظر اتاق بازرگانی صنایع و معادن ایران تلقی‏ نمی‏شود.

رشد 8/43 درصدی بودجه

بودجه سال 75 کشور در رقم 4/113،138 میلیارد ریال‏ تنظیم شده که نسبت به بودجه سال جاری 8/43 درصد رشد نشان می‏دهد.

نخستین ملاحظه دربارهء بودجه همین رشد 8/43 درصدی است.در هدفهای بودجه کاستن از حجم بخش‏ دولتی پیش‏بینی شده است.آیا رشد بودجه در چنین رقم‏ انبوه،سبب توسعهء بخش دولتی نخواهد شد؟از سوی‏ دیگر این سئوال مطرح است که آیا این بودجهء هنگفت نرخ‏ تورم را افزایش نخواهد داد؟پاره‏ای از دست‏اندرکاران‏ بودجه اظهارنظر کرده‏اند که چون ارقام درآمد و هزینه‏ پیش‏بینی شده در بودجه برابر و باصطلاح بودجه متعادل است،دولت ناچار نیست از بانک مرکزی قرض بگیرد و نهایتا بودجه تورم‏زا نخواهد بود.این استدلال در اقتصاد امروز-چندان محل اعتبار نمی‏تواند باشد.درحالیکه‏ عکس آن صادق است.یعنی کسری بودجه عمومی دولت‏ همواره یکی از علل تورم میباشد.البته اگر فرض می‏کردیم‏ همهء مبالغ درآمدی بودجه قبل از اینکه بصورت بودجه‏ عمومی درآید نیز عینا به همین ترتیب و با همین سرعت‏ به مصارف تعیین شده می‏رسیده و در قالب بودجه،دولت‏ فقط تصدی کارها را بعهده می‏گیرد،شاید می‏شد استدلال‏ را به نحوی قبول کرد.اما میدانیم دولت درآمدهائی را از منابع گوناگون تحصیل می‏کند و در راههای دیگری،غیر از آنچه سابقا در آنها بکار می‏رفته،مورد استفاده قرار می‏دهد.بنا بر این مسأله تعادل بودجه-از دیدگاه تورم‏زائی‏ -یک موضوع است،و نحوهء خرج بودجه،یک موضوع‏ دیگر.فرضا وقتی دولت از تولیدکنندگان کالاهای صنعتی‏ و کشاورزی مورد نیاز مردم مالیات می‏گیرد و آنرا بصورت‏ انبوه و فشرده در طرحهای عمرانی بلند مدت هزینه‏ می‏کند،خود به خود جمع‏آوری آن مالیاتها و هزینه کردن‏ آنها در طرحهای مورد اشاره،تورم‏زا می‏شود.بنا بر این‏ علاوه بر عامل تورم‏زائی ناشی از کسر بودجه-که فعلا برای ما منتفی است،باید عامل تورم‏زائی ناشی از نحوهء هزینه کردن را نیز در نظر گرفت.سرعت هزینه کردن که در سرعت گردش پول متجلی میشود نیز،عامل دیگری است‏ که نباید از نظر دور نگهداشته شود.

در نظر داشته باشیم بودجه سال جاری کشور نیز بصورت‏ متعادل تنظیم و تصویب شد و طبق استدلال طرفداران‏ نظریه تورم‏زا نبودن بودجهء متعادل،می‏بایستی امسال‏ تورمی نمی‏داشتیم.درحالیکه برنامه پنجساله رقم تورم‏ سالانه 2/13 درصد را پذیرفته بود،اما در 9 ماه اول امسال‏ تورم به رقم 60 درصد نزدیک شد که رقمی بی‏سابقه‏ محسوب میشود.بر این نکته از اینجهت تأکید روا داشتیم‏ که دولت و مجلس بر نحوهء هزینه کردن درآمدهای بودجه‏ دقیقا نظارت کنند و تعادل مطلوب را بین طرحهای مولد و غیرمولد و کوتاه مدت و بلند مدت در نظر بگیرند تا انشا الله‏ موفق به مهار تورم شویم.

یارانه و بهبود روشهای مصرف

دولت برای سال آینده نیز یارانه(سوبسید)را پذیرفته و درعین‏حال معتقد است که از طریق بهبود روشهای‏ مصرف(که تا این اواخر به الگوی مصرف شهرت داشت) صرفه‏جوئیهایی خواهد شد که به مصرف طرحهای‏ عمرانی و جاری استانها خواهد رسید.مسأله تغییر روش و عادت مصرف‏کننده از مصادیق گسترده و باصطلاح کشدار است.مردم به‏زودی و داوطلبانه عادات مصرفی خود را تغییر نمی‏دهند.مگر آنکه کالا در اختیار آنها قرار نگیرد یا قیمتها چنان بالا رود که عدهء کثیری از مشتریان از بازار تقاضا خارج شوند.طبعا این سئوال به ذهن متبادر می‏شود که صرفه‏جوئی از طریق بهبود مصرف آیا به معنی کاستن‏ از حجم یارانه نیست؟مطلقا نمی‏خواهیم بگوئیم یارانه در وضع و شکل کنونی آن خوب هست یا نیست.این بحث‏ سابقا صورت گرفته و دلائل بسیاری در موافقت و مخالفت‏ آن ابراز شده است و سرانجام دولت با قبول این واقعیت که‏ در شرائط تورمی کنونی یارانه می‏تواند خانواده‏های ضعیف‏ و متوسط را در حد معینی یاری کند،آنرا پذیرفته است. قبول این واقعیت طبعا همراه با تالی فساد آن است که‏ افرادی هم که صاحب درآمدهای هنگفت هستند از یارانهء دولت استفاده کنند.حال که راه عملی‏تری برای تخصیص‏ یارانه به افراد متوسط و ضعیف وجود ندارد،لا اقل باید نظام‏ مالیاتی از افراد صاحب درآمدهای هنگفت مالیات برحق‏ با نرخ متداول جهانی وصول کند و هزینه‏های یارانه‏ای را که دریافت می‏دارند از این طریق تأمین کند تا اغنیا مهمان ناخوانده سفرهء فقرا نشوند.البته نظام مالیاتی باید عادلانه عمل کند و درخت ثروت را در موسم خود هرس کند نه آنکه آنرا از ریشه بخشکاند،زیرا اصل ثروتمندی جامعه‏ خوب است.سخن اینست که نظام،گسترش‏دهندهء عدالت‏ اجتماعی باشد.اگر دولت کالاهای برخوردار از یارانه را بین‏ همه تقسیم می‏کند،طبعا باید صاحبان درآمدهای بالاتر سهم دریافتی از این محل را به طریقی دیگر جبران نمایند و این به معنی حب و بغض داشتن به این و آن نیست. صحبت از اصول است.

اما یکنوع دیگر بهبود روش مصرف نیز خواهیم داشت که‏ در ارتباط با یارانه نیست،بلکه مصداق عام دارد و آن‏ اینست که از تمام ظرفیتهای اقتصادی کشور و نیروهای‏ بالقوه و بالفعل به طرز بهتر و مؤثرتر استفاده شود و سودآوری کار و فعالیت انسانی و استفاده از منابع،به سطح‏ مطلوب برسد و ضایعات به حداقل کاهش یابد.چنین‏ کاری هم شدنی است و هم ضرورت اساسی و حیاتی دارد. این امر به بهبود بهره‏وری و فرهنگ صرفه‏جوئی مربوط می‏شود که نیاز به کار فرهنگی و تحقیقاتی مداوم دارد. برای اینکه جامعهء مصرفی نشأت گرفته از تبلیغات‏ مصرف‏گرائی لاابالی و بی‏بندوبار را به جامعهء صرفه‏جو و منضبط تبدیل کنیم باید با شیوه‏ای صحیح و اصولی و مستمر معایب اسراف کاری را تشریح کنیم و فضیلت‏ قناعت را در اذهان زنده نگهداریم و همراه با آن آموزشهای‏ عملی بدهیم.در این زمینه-بعنوان مثال-بودجهء سال‏ آینده اشاره خوبی دارد.به گفتهء ریاست جمهوری در گزارش‏ تقدیمی به مجلس،با منطقی شدن مصرف فراورده‏های‏ نفتی در داخل،صدور مازاد آن مورد توجه قرار گرفته است‏ که موجب افزایش درآمدهای ارزی شده است.می‏دانیم که‏ در سالهای اخیر خاصه از دوران جنگ به اینطرف،کشور ما سالانه مقادیر هنگفتی فراوردهء نفتی وارد می‏کرد که بهای‏ آن از طریق صدور نفت خام تأمین می‏شد.طبعا تفاوت‏ قیمت فراوردهء نفت خام با فراورده‏های آماده برای مصرف، به جیب کشورهای فروشندهء این فراورده‏ها می‏رفت.البته‏ در زمان جنگ و در زیر بمبارانهای مداوم دشمن متجاوز کار دیگری نمی‏شد انجام داد.اما با اقداماتی که بلافاصله پس‏ از استقرار آتش‏بس صورت گرفت و خاصه با اقدامات‏ انجام شده در طول برنامهء پنجسالهء اول بتدریج از میزان‏ واردات فراورده‏های نفتی کاسته شد و اینک در آستانه‏ صدور مقادیر قابل توجهی فراورده نفتی قرار داریم که‏ نسبت به نفت خام ارزش افزودهء قابل ملاحظه‏ای دارد.

یک گام ارزنده

گام ارزنده‏ای که در بودجهء سال آینده-برای اتمام‏ طرحهای نیمه‏تمام ملی و استانی برداشته شده فروش‏ اوراق مشارکت عمرانی است.اگر این امر خوب سامان داده‏ شود میتواند از جهات مختلف ثمرات نیکو برجای گذارد که‏ مهمترین آن مشارکت عمومی در طرحهای ملی و سازندگی است.دیگر اینکه این امر زمینه واگذاری‏ واحدهای دولتی به بخش خصوصی را فراهم می‏کند و بالاخره از این طریق تورم‏زائی طرحها به حداقل می‏رسد و سرمایه‏های راکد را به سوی امور تولیدی و مولد رهنمون‏ می‏شود.موفقیت در این راه بستگی به میزان سودی که این‏ اوراق به خریداران می‏دهد و نحوهء اداره کردن این امر مهم‏ دارد.در بودجه سال آینده عرضه 300 میلیارد ریال اوراق‏ مشارکت،پیش‏بینی شده است که از محل اعتبارات‏ طرحهای مربوط در طول برنامهء دوم،اصل و سود و جایزهء اوراق مذکور بازپرداخت خواهد شد.

افزایش سطح اشتغال

معضل عمده‏ایکه هم‏اکنون در کشور ما وجود دارد و هر سال بر پیچیدگی آن اضافه می‏شود مسأله اشتغال است. اخیرا گزارشی از اتاق کردستان داشتیم که اظهار می‏داشت 25 درصد از نیروی قادر به کار در آن استان بیکار هستند و از مقامات مسئول استمداد می‏کرد که با استقرار واحدهای‏ تولیدی در آن استان از میزان بیکاری بکاهند.ارقام‏ منتشره حکایت از 12 درصد نرخ متوسط بیکاری در کشور می‏کند.البته بیکاری خاص جامعهء ایران نیست.در اروپای‏ متحد اینک 36 میلیون نفر بیکار وجود دارد که انتظار افزایش آن می‏رود.با اینهمه نابسامانیها و نامرادی‏های‏ جوامع دیگر نباید مستمسکی برای ما باشد که نیروی‏ انسانی کشور خود را عاطل و باطل بگذرانیم.برنامهء سال‏ آینده اختصاص 600 میلیارد ریال را برای تقویت و گسترش اشتغال بصورت ویژه پیش‏بینی کرده است.بعلاوه‏ 76 میلیارد ریال برای تهیه ابزار و لوازم کار برای بیکارانی‏ که وسیلهء کار در اختیار ندارند درنظر گرفته شده است تا بصورت خوداشتغالی فعالیت کنند.در این راستا،در قسمت‏ دیگری از گزارش مورد بحث بطور غیر مستقیم به انتقال‏ قسمتی از نیروهای غیر تخصصی بخش دولتی به بخش‏ خصوصی،اشاره شده است.مسأله اینست که از هنگام‏ تشکیل ادارات دولتی و شرکتها و مؤسسات وابسته به‏ دولت،بطور مرتب بر حجم این واحدها افزوده شده است‏ بی‏آنکه کارآئی آنها به تناسب حجم فعالیتشان فزونی‏ گیرد.روند تراکمی دستگاههای دولتی پس‏از پیروزی‏ انقلاب اسلامی فزونی گرفت و بسیاری سازمانها و نهادها بوجود آمدند که اگرچه خود را دولتی نمی‏دانند اما ماهیت‏ آنها حکم می‏کند که جز دولتی بودن یا وابسته به دولت‏ بودن نتوان مشخصه‏ای برای آنها قائل شد.توجه داشته‏ باشید که صحبت نفی آنها در میان نیست.بحث بر سر ماهیت دولتی داشتن آنها و تراکم بیش از حد لزوم نیروی‏ انسانی در آنهاست.این یک راز سربه‏مهر نیست که‏ بگوئیم در طول سالهای جنگ بسیاری از نیروهای تولیدی‏ وارد بخش جنگ شدند که چه در جبهه‏ها و چه در پشت‏ جبهه‏ها فداکاریهای قابل تقدیری انجام دادند.وقتی‏ جنگ بپایان رسید بیشتر این نیروها در سازمانهائی که در زمان جنگ در آنها کار می‏کردند ماندگار شدند،امری که‏ مشابه آن در همهء کشورهائی که درگیر جنگ شده‏ و می‏شوند،اتفاق افتاده و می‏افتد.حالا دولت سعی دارد دستگاههای دولتی و وابسته به دولت را از تراکم‏ غیرضروری و در بسیاری موارد از تراکم مزاحم نجات دهد. طبعا برنامهء آسانی نیست.اما به همانقدر که اجرای آن‏ دشوار است،ضروری است.بازگرداندن نیروهای انسانی‏ مولد به کار تولیدی و ثمربخش عامل تجدید حیات‏ چرخهای اقتصادی کشور خواهد بود،طبعا این نیروها باید یاری شوند تا بصورت خوداشتغالی فعالیت کنند و یا افرادی‏ که مورد نیاز بخش خصوصی هستند به تقاضای صاحبان‏ واحدهای تولیدی بخش خصوصی به آن بخش بروند.در بسیاری موارد شاید به نفع جامعه و افراد مورد اشاره باشد که حتی بازنشسته شوند.زیرا آنها که در دستگاههای‏ عریض و طویل دولتی کار مفیدی انجام نمی‏دهند،مانع‏ کار افراد مفید هم خواهند بود.ازاین‏پس نیز باید نظام‏ اداری از هر نوع اعمال فشار یا تمایل شخصی این یا آن‏ متصدی برای بکار گماشتن این یا آن فرد در فلان و بهمان‏ پست اسمی دور باشد.اینکه دولت در این راه دشوار تا چه‏ اندازه موفق گردد باید منتظر آینده بود.